



چرا کودکان کنجکاو هستند و چگونه با آن برخورد کنیم

والدینی که به کودک خود می گویند این قدر سوال نکن یا راحت بگذار، برای چه می خواهی بدانی؟ به طور مستقیم به کودک توهین می کنند ...

والدینی که به کودک خود می گویند این قدر سوال نکن یا راحت بگذار، برای چه می خواهی بدانی؟ به طور مستقیم به کودک توهین می کنند و حس کنجکاو کودک را نابود می کنند. به گزارش خبرگزاری مهر، تلاش انسان برای سردر آوردن از جهان از همان ابتدای زندگی آغاز می شود، همه کودکان خردسال تشنه یادگیری هستند و به آن نیاز دارند. آنان از همان روز اول تولد، زندگی خود را با تقلید کردن و کنجکاو آغاز می کنند. کنجکاو به معنای تمایل به دانستن و اشتیاق به یاد گرفتن است. کنجکاو ممکن است ما را گرفتار مخصصه کند، ولی ما را به پرسیدن و جمع آوری اطلاعات تازه و می دارد. کنجکاو نیرویی است که ذهن را تغذیه می کند تا زنده و بالنده شود. کنجکاو، یک نیروی خود انگیزی شکست ناپذیر است.

انگیزه یعنی دلیل برای انجام هرکار و چه دلیلی بهتر از دانستن؟ کنجکاو نیرویی است که از درون ما می جوشد و بدین معناست که ما صاحب آن هستیم. و چون از درون ما می جوشد به احتمال زیاد، با دوام است.

این مهم است که ما حس کنجکاو کودکان را پرورش دهیم، اما همانطور که همه والدین می دانند، گاهی اوقات، گفتن این حرف آسانتر از عمل کردن به آن است. نخستین مانعی که بر سر راه ذهنی پویا قرار می گیرد، مفهوم پذیرفته شده و گسترده "کودک خوب" است. ما خودمان معمولا پیام های آشکاری را می فرستیم که بچه "خوب" کسی است که چیزی را به چالش نگیرد و دردرساز نباشد. دومین چیزی که کنجکاو را سرکوب می کند، ناشکیبایی ما در برابر هر نوع پرسش است، نه فقط آنهایی که مبارزه طلبانه هستند.

همه کودکان نیاز دارند به نحوی تایید شوند و مورد توجه قرار گیرند. کودکان در خانه و کودکستان و محیط های مدرسه، کودکان شیرخوار و کودکان خردسال به شدت نیازمند توجه هستند، بسیار زود یاد می گیرند که به نحوی رفتار کنند که افراد مهم اطراف خود راضی و خرسند سازند. برای کودک، خوب بودن بدین معنا است که اشخاص بالغ از او راضی باشند، اما یادگیری خوب بودن، همچنین بدین معناست که ممکن است چیز زیادی یاد نگیرد.

وقتی از پدر و مادر ها بپرسیم که چه زمانی نسبت به کودک شان بدترین احساس منفی را دارند، اغلب می گویند زمانی که کودکشان به طور شفاهی به آنها اعتراض می کند و جیغ و داد، گله گزاری و گریه زاری می کند و جر و بحث با کودک را خوشایند نمی دانند، و زمانی که فرزندانشان با یکدیگر دعوا می کنند احساس به شدت منفی پیدا می کنند و هنگامی که آنان در بیرون از خانه اعتراض می کنند و آنان را انگشت نمایی عام و خاص می کنند احساس طرد شدگی می کنند.

زمانی که کودکان می خواهند مورد توجه قرار گیرند معمولا به گریه و اعتراض متوسل می شوند. اعتراض های کلا می دیگر، مانند جیغ و داد و گله گزاری نشان می دهد که کودک می تواند فکر کند و سوال کند. معمولا تحقیقات نشان داده که وقتی ما از کودکان می خواهیم خوب باشند معمولا منظورمان این است که آنها نباید سوال کنند یا با ما به بحث بپردازند، نباید به استقبال خطر شکست بروند، نباید طرح های خود را عملی کنند یا درباره اشتباهات خود حرفی بزنند.

کودکانی که یاد می گیرند فقط چیزهایی را بگویند که تصور می کنند ما می خواهیم بشنویم، صرفا به صورت بازتاب هایی از خودمان در می آیند و مسلما به کدو کاو در خود نمی پردازند.

پرسش های کودکان می تواند خشمگین کننده، ناخوانده، تهدید کننده و قطعاً دشوار و خسته کننده باشد. بیشتر از آن بعضی اوقات نشان دهنده ناآگاهی خود ما هستند که ممکن است برایمان ناراحت کننده باشد.

کودکان همواره از روی کنجکاو ذاتی سوال نمی کنند. کودکان ممکن است به هر دلیلی سوال کنند. ما مجبور نیستیم به همه آنها با یک میزان علاقه و اشتیاق، یا در همان لحظه ای که سوال می کنند پاسخ دهیم. مثلا زمانی که کودکان خیلی کوچک می پرسند "چرا" و مرتبا آن را تکرار می کنند برای این است که آن را به مثابه راهی برای کنترل و هدایت گفتگو هایی کشف کرده اند که تا آن زمان بزرگسالان کلا در اختیار خود داشته اند. آنان با سوال کردن جلب توجه می کنند.

سوال کردن در دست کودکان ابزار نیرومندی برای کنترل خود است درست مانند نه گفتن که پیش از آن بوده است. همچنین راهی است برای پی بردن به چیزهایی که آنان را سردرگم می کند. ما نباید این چراها را نادیده بگیریم، ولی درک علت این سوالات که به سرعت و به تناوب می آیند و به خصوص در مراحل رشد دیده می شوند، سودمند است.